

علیرضا وکیلی؛ در تحلیل مسیر نورانی انقلاب اسلامی، گاهی از یاد می‌بریم که ایستادگی در برابر قدرت‌های یوشالی، نه یک انتخاب سیاسی، بلکه یک باور عمیق ایمانی است. رهبر حکیم و شهید ما در مراسم دانش آموختگی دانشگاه امام حسین^{علیه}، بابا زخوانی بصیرت مثال‌زدنی امام را حل^{علیه}، یادآوری کردند که ایشان حتی پیش از تبعید و در اوج غربت، «منفوترترین فرد» را رئیس‌جمهور آمریکا می‌دانستند. این شجاعت بی‌نظیر، ریشه در یک «باور قرآنی» داشت؛ اینکه اگر کسی برای خدا قیام کند، قدرت مطلق هستی، پشتیبان او خواهد بود.

قرآن کریم در سوره مبارک حج، سنت تخلف‌ناپذیر یاری مجاهدان را چنین بیان می‌فرماید: «وَلْيَتَّخِذَنَّ اللَّهُ مَن يَنْتَصِرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» و قطعاً خداوند کسانی را که یاری او کنند(او از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند، چرا که خداوند، قوی و شکست‌ناپذیر است. (سوره حج، آیه ۴).

این آیه، «کد فتح» جبهه حق در تمام اعصار است. طبق تبیین آن رهبر فرزانه، نصرت الهی پاداش ایستادگی در برابر «دشمنان دین و بشریت» است. ایشان خطاب به جوانان تأکید می‌کردند که این راه را با قدرت ادامه دهند، چرا که «دل‌های پاک» و «روح‌های نالوده»، مغناطیس جذب نصرت الهی هستند. طبق «تفسیرالمیزان»، اگر خداوند مؤمنان را برای دفع شر ظالمان برنیت‌نیزد، مراکز توحیدی و انسانی در سراسر جهان به دست مستکبران ویران می‌شود. درواقع، غلبه بر موانع در گام دوم انقلاب، ادامه همان سنتی است که در چهل سال اول، دست خالی ملت را بر زور و زور استکبار پیروز کرد. ایستادگی در برابر دشمن با تکیه بر نصرت خدا، مانند «رستن گیاه از میان صخره» است. صخره (استکبار) هر قدر هم سخت و محکم به نظر برسد، در برابر قدرت حیات (ایمان) چاره‌ای جز شکافتن ندارد. امروز هم اگر مردم غیور و نیروهای خدوم ما در برابر ائتلاف‌های سنگین قد خم نکرده‌اند، به این دلیل است که به «قوی و عزیز» بودن خدا ایمان دارند. ابزار مادی، زمانی معجزه می‌کند که به این «قدرت غیبی» متصل باشد.

بیابیم با تکیه بر وعده «وَلْيَتَّخِذَنَّ اللَّهُ» گام‌های خود را در مسیر مقاومت استوارتر کنیم. تاریخ پنجاه‌ساله مبارزه ثابت کرده است که هر جا به خدا اعتماد کردیم، بن‌بست‌ها شکسته شد. جوانان عزیز بدانند که آینده آنان صابران و ایستادگان است. نصرت الهی، سایه سر ملتی است که وظیفه انسانی و الهی خود را در برابر زورگویان فراموش نمی‌کند. پیروزی بر همه موانع، وعده صادق پروردگاری است که شکست‌ناپذیر است.

محمدجواد علیپورا در دنیای پرتلاطم امروز آیا زیست مؤمنانه برای خانواده، ممکن است؟ چگونه؟

زندگی مشترک، به ویژه در هیاهوی دنیای مدرن امروز، چالش‌های منحصره‌فردی پیش روی زوج‌های مؤمن قرار می‌دهد. این دوره، زمانه‌ای است که وسوسه‌ها از هرسو هجوم می‌آورند؛ از رقابت‌های ناسالم شغلی و فشارهای اقتصادی گرفته تا بمباران اطلاعاتی شبکه‌های اجتماعی و کم‌رنگ شدن تدریجی ارزش‌های بنیادین. در چنین بستری، «زیست مؤمنانه» برای زوجین، صرفاً یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت حیاتی برای حفظ استحکام و معنویت خانواده است. از منظر دینی، ازدواج پیوندی است که با یاد خدا و براساس آموزه‌های الهی شکل می‌گیرد. قرآن کریم، مودت و رحمت را اساس روابط زن‌شویی معرفی می‌کند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَحَقَّ لَكُمْ مِنْهَا وَرَحْمَةً» (روم، ۲۱). این‌آیه، سکون، عشق و مهریانی را از نشانه‌های خداوند در ازدواج می‌داند. در دنیای امروز، دستیابی به این آرامش، نیازمند تلاش آگاهانه است. زوج‌های مؤمن باید آگاهانه فضایی امن و معنوی برای یکدیگر فراهم کنند، جایی که بتوانند فارغ از دغدغه‌های دنیوی، به رشد روحی و معنوی یکدیگر کمک کنند.

یکی از کلیدی‌ترین جنبه‌های زیست مؤمنانه زوجین، «مشارکت در عبادت» است. نماز اول وقت، قرائت قرآن و دعا و توسل، نه تنها پیمان زوجین با خدا را تقویت می‌کند، بلکه پیوند عاطفی آن‌ها را نیز عمیق‌تر می‌سازد. سیره معصومین^{علیهم}، گواه این است که عبادت جمعی، برکی مضاعف دارد. در بعد روان‌شناختی، چالش‌های دنیای مدرن، نیازمند مهارت‌هایی چون «مدیریت تعارض»، «ارتباط مؤثر»، «همدلی فعال» است. زوج‌های مؤمن باید بیاموزند که چگونه با احترام متقابل، اختلافات خود را حل کنند و در مواقع سختی، پشت و پناه یکدیگر باشند. فضای مجازی، می‌تواند وسیله‌ای برای ارتباط باشد، اما اگر جدومرزه‌های شرعی و اخلاقی آن رعایت نشود، به منبعی برای مقایسه‌های مخرب و حسادت تبدیل می‌شود. لذا تعیین «قوانین شفاف برای استفاده از تکنولوژی» و «اولویت دادن به ارتباط رودرو» بسیار حیاتی است. در نهایت، «تعهد به رشد متقابل» در تمام ابعاد زندگی (دینی، علمی، فرهنگی و عاطفی)، ستون فقرات یک خانواده مؤمنانه است. زن و شوهر باید با دیدی بلندمدت، یکدیگر را در مسیر رسیدن به کمال و قرب الهی، یاری رسانند و در پناه این پیمان الهی، آرامش و سعادت واقعی را در دنیای پرتلاطم امروز تجربه کنند.

ابراهیمی | ناگفته‌های زیادی درباره رهبر شهید انقلاب وجود دارد که باید به مرور ایام گفته شود، اما یکی از شگفت‌انگیزترین این موضوعات، زهد و سادگی زندگی ایشان است، هیچ‌کس باور نمی‌کند مردی که نزدیک چهل سال در بالاترین سطح مدیریت این کشور بود، زندگی‌اش مثل پایین‌ترین سطوح جامعه بوده باشد. فرزند بزرگوار ایشان، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، درباره این موضوع می‌فرمایند: «همین جایگزاید خاطره‌ای براینان بگویم: من در کودکی از کلمه «فقیر» بدم می‌آمد. خب بچه بودم و تصورم از «فقیر» مَلَک‌کسی بود که گوشه خیابان می‌نشیند و گداپی می‌کند. آن زمان هنوز انقلاب پیروز نشده بود و من کلاس دوم دبستان بودم و مشهد زندگی می‌کردیم؛ در همین خانه‌ای که الان هم هست. یادم هست در گوشه‌ای از همان خانه، مقداری بسته‌های آذوقه و روغن نباتی بود. ما، یعنی سه فرزند و پدر و مادر، نشسته بودیم و در حال صحبت بودیم که آقا درمیان کلام گفتند من افتخار می‌کنم که فقیر هستم؛ تا این‌را آقا گفتند، این قدر این جمله برای من ضرب داشت که یک دفعه گویا تصور نسبت به «فقر» عوض شد. به‌طوری‌که تا الان هم همین جوری هستم. این به‌نوعی نشانه بی‌تعلق بودن ایشان به دنیا از همان اوایل زندگی و تارک بودن ایشان است.»

به این پرسش که آقا در مصاحبه‌ای در اوایل پیروزی انقلاب، گفتند که من چون نمی‌خواهم فقرنمایی بشود، خاطرات زندگی خودم را نمی‌گویم و عبور می‌کنند، پاسخ دادند: «ایشان اصلاً اجازه نمی‌دهند زندگی‌شان دچار زرق و برق شود، مثلاً وسایلی زندگی ایشان بسیار ساده است. فرض کنید اجاق‌گاز خانه ایشان از همین اجاق‌های س‌ه‌شعله قدیمی رومیزی است که من چندبار از والدۀ خواهرش کردم ای را عوض کنید. والدۀ هم در این جهت، واقعا از آقا کمتر نیستند. هنوز اجاق‌گازشان همان سه‌شعله قدیمی است که روی میز می‌گذارند! مادر، به رغم اصرارهای زیاد ما، آخر هم قبول نکردند و گفتند اصلاً نمی‌شود.»

مسیر هدایت در دوران غیبت



سمانه رضوانی | شناخت سخنان امام مهدی^{عج}، برای بسیاری از ما تنها یک موضوع اعتقادی نیست، بلکه دریچه‌ای است برای فهمیدن اینکه چگونه می‌توانیم در زندگی امروزمان رفتار بهتر، آرامش بیشتر و امید قوی‌تری داشته باشیم. احادیث کوتاه اما پرمعنا، نگاه امام را درباره انسان‌ها، وظایف، مسئولیت‌ها و مسیر هدایت‌شان می‌دهد و به ما یادآوری می‌کند که در هر شرایطی، پیوندی از رحمت، مراقبت و راهنمایی میان حجت الهی و انسان‌ها برقرار است.

حضرت حجت^{عج} می‌فرمایند: «اما در رخدادهایی که پیش می‌آید، به راویان احادیث ما مراجعه کنید. آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنانم.» امام در این جمله برای دوران غیبت، یک نقشه روشن ارائه می‌کند. مردم تنها نیستند و برای مسائل دینی و اخلاقی باید سراغ عالمان آگاه، درستکار و امین بروند؛ کسانی که سخنان اهل بیت^{علیهم} را دقیق منتقل می‌کنند. در دنیایی که سرشار از اطلاعات اشتباه، شایعات و برداشت‌های غلط است، این توصیه بسیار مهم است. این سخن یعنی هر فردی برای تصمیم‌های مهم زندگی‌اش باید منبعی معتبر پیدا کند؛ همان کسانی که امام به‌عنوان حجت بر ما، معرفی کرده است. این حدیث، ما را به انتخاب استاد، مرجع فکری و معلم درست دعوت می‌کند. نه پیروی از هر حرف و هر سلیقه‌ای.

خیلی وقت‌ها آدم‌ها احساس تنهایی می‌کنند؛ خیال می‌کنند کسی از دل شکستگی‌ها، سختی‌ها یا حتی اشتباهاتشان خبر ندارد. امام مهدی^{عج} می‌فرمایند: «به راستی که علم ما بر اوضاع شما احاطه دارد و هیچ چیز از احوال شما بر ما پوشیده نیست و درباره لغزش‌هایی که از شما سر می‌زند، شناخت داریم.» این سخن امام^{عج} نشان می‌دهد که میان او و مردم، یک ارتباط عمیق معنوی وجود دارد. آگاهی انسان از حال مردم به معنای کنترل یا ترس‌آفرینی نیست، بلکه نشانه مراقبت و راهنمایی است. وقتی انسان باور کند که کسی از لغزش‌های او آگاه است و می‌خواهد کمکش کند تا بهتر شود، انگیزه بیشتری برای رشد پیدا می‌کند. این آگاهی، ما را به دقت در رفتار و پاک‌سازی درونی تشویق می‌کند؛ یعنی درست همان‌طور که درمقابل یک مربی دلسوز بهتر عمل می‌کنیم، در مسیر زندگی هم با حضور معنوی امام، بهتری می‌توانیم از اشتباهات دور بمانیم.

این حدیث از امام زمان^{عج} که می‌فرمایند: «من مایه امنیت زمینیان هستم، همان‌طور که ستارگان موجب امنیت آسمانیان هستند»، تصویری بسیار زیبا خلق می‌کند؛ همان‌گونه که ستارگان در آسمان، نشانه هدایت و عامل نظم هستند. امام مهدی^{عج} نیز در زمین، وسیله آرامش و پایداری است. حتی اگر دیده نشود، حضورش تأثیرگذار است. این حدیث به ما امید می‌دهد که جهان بی‌رهبر نیست و حتی در سخت‌ترین شرایط، لطف الهی از طریق حجت خدا در جریان است. وقتی انسان احساس می‌کند جهان رهاشده است و بی‌صاحب نیست، دلش آرام‌تر و نگاهش به آینده روشن‌تر می‌شود. در زندگی روزمره، این باور کمک می‌کند از نگرانی‌های بی‌حد دور شویم و بدانیم که میان این همه سختی، نیرویی از جانب خدا مراقب است و جهان را از سقوط حفظ می‌کند.

امام زمان^{عج} می‌فرمایند: «هنگامی که به ما اجازه سخن داده شود، حق آشکار و باطل، ریشه‌کن و از شما دور خواهد شد. از خدا می‌خواهم که این مهم را به بهترین شکل و در حد کافی و با ولایت ما انجام دهد.» این فرموده، یادآور این حقیقت است که آشکار شدن حق و از بین رفتن باطل، یک مسیر دارد و این مسیر براساس اراده و حکمت الهی تنظیم شده است. گاهی انسان می‌خواهد سریع‌تر به نتیجه برسد، عدالت را ببیند یا حقایق روشن شوند، اما این حدیث می‌گوید زمان و شرایطش باید فراهم شود. همان‌طور که بسیاری از اتفاقات زندگی با صبر و تدبیر بهتر حل می‌شوند، تحقق عدالت کامل نیز نیازمند زمان الهی است. آنچه برای ما مهم است، حفظ امید و حرکت در مسیر درست است. این جمله که «خدا این کار را با ولایت ما به بهترین شکل انجام می‌دهد، یعنی هدایت بدون پیروی از حجت الهی کامل نمی‌شود، پس ما باید به مسیر اعتماد داشته باشیم و بدانیم که نور حق در وقت مناسب به اذن خدا، همه دست امام معصوم^{علیه} طلوع خواهد کرد.

از بزرگواری انسان، علاقه‌مندی به وطن است

برابری انسان‌ها تأکید می‌کند، بنابراین قطعاً مثل دیگر موضوعات افراطی، اسلام و شیعه به‌طور خاص با همین پرستی افراطی به معنای یادشده مخالف است. در روایات معصومان نیز به این نکته اشاره شده که برتری انسان‌ها براساس تقوا و عمل صالح است نه براساس نژاد یا ملیت. امام علی^{علیه} در نهج البلاغه می‌فرمایند: «مردم دو دسته‌اند، یا برادران دینی تو هستند یا همکاران تو در آفرینش.» این جمله، نشان دهنده تأکید بر همدلی و همزیستی مسالمت‌آمیز میان انسان‌هاست.

در نهایت، میهن‌دوستی یک ارزش مهم انسانی است که باید در حد معقول خود مورد توجه قرار گیرد و علمای ما، آن را به‌عنوان یک عامل مؤثر در آبادانی جوامع انسانی معرفی کرده‌اند و باید توجه داشت که میهن‌دوستی و وطن‌پرستی باید موجب انسجام، هم‌بستگی و پیشرفت کشور شود و نباید بهانه‌ای برای تعصب یا تبعیض علیه سایر ملت‌ها باشد. بنابراین ضروری است که ما همواره از مفهوم میهن‌دوستی آگاه باشیم و تلاش کنیم این احساس را در راستای اهداف انسانی و اسلامی خود پرورش دهیم. با پیروی از آموزه‌های دینی و اخلاقی، می‌توانیم جامعه‌ای آباد، امن و پر از محبت بسازیم که در آن، همه افراد با هر ملیت و نژاد، بتوانند در کنار یکدیگر زندگی کنند.

و دستورات دینی مشخص می‌شود، که میهن‌دوستی در حد معقول خود، سبب انسجام و هم‌بستگی اجتماعی، ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در برابر سرزمین و مردم و تلاش برای پیشرفت کشور می‌شود. این احساس می‌تواند باعث افزایش مشارکت اجتماعی، توسعه فرهنگی و اقتصادی و تقویت هویت ملی شود. علمای دین به این نکته اشاره می‌کنند که میهن‌دوستی باید در خدمت اهداف عالی انسانی باشد، نه تنها به نفع یک گروه خاص، بلکه به نفع تمام اقشار جامعه.

از دیگر ابعاد مثبت میهن‌دوستی، می‌توان به ایجاد حس امنیت و آرامش در جامعه اشاره کرد. وقتی افراد به وطن خود احساس تعلق خاطر داشته باشند، بیشتر تمایل دارند که برای حفظ آن تلاش کنند و این امر باعث کاهش ناهنجاری‌ها و افزایش هم‌بستگی اجتماعی خواهد شد. اما همان‌طور که هر موضوعی دارای حد معقول و حد افراطی است، میهن‌دوستی نیز از این قاعده مستثنا نیست. حد افراطی وطن‌پرستی، مستکن است به برتری جویی نژادی، تعصب علیه سایر ملت‌ها و حتی جنگ و نزاع‌های قومی منجر شود. اسلام با هرگونه تعصب و نژادپرستی مخالف است و بر



جمال
رفیعی
چون اسلام و مسلمانان
خسین ابراهیمی

تبارک و تعالی این احساس را به‌عنوان یکی از عوامل ضمانت حیات و بقای بشر قرار داده است. نقل شده است پیامبر خدا^{صلی} در حالی که سوار بر ناقه خود در حوزره ایستاده بودند، خطاب به مکه فرمودند: «والله، إِنَّکَ لَعَفْیُ اَرْضِ الله، وَ اَخْبُ اَرْضِ الله اِلَی الله، وَ لَوْ لَا اَخْرَجْتُ مِنْکَ مَا خَرَجْتُ، به خدا که تو بهترین زمین خدا هستی و محبوب‌ترین زمین خدا نزد خدایی و اگر مرا از تو بیرون نمی‌کردند، به پای خود بیرون نمی‌رفتم.»

حضرت امیرالمؤمنین علی^{علیه} نیز در تعبیر زیبایی به ضرورت میهن‌دوستی و کارکردهای اجتماعی آن، چنین اشاره می‌فرمایند: «عُمْرَتِ الْبُلْدَانِ بِحُبِّ الْاوطَانِ، کشورها با میهن‌دوستی آباد شدند. در روایت دیگری از حضرت آمده است: «مِنْ کَرَمِ التَّوْبَةِ بُکَاؤُهُ عَلَی مَا مَضَى مِنْ زَمَانِهِ، و حِفْظُهُ قَدِیمِ اِخْوَانِهِ، از بزرگواری انسان، گریستن او بر زمان سپری‌شده‌اش و علاقه او به میهنش و نگه داشتن دوستان دیرینه‌اش است.» همچنین روایت معروفی هست در سینه‌البحار که می‌فرماید: «حُبُّ الْوَطَنِ مِنْ الْاِیمَانِ، دوست داشتن وطن از ایمان است.» از این روایات

حسین ابراهیمی | یکی از موضوعاتی که در جنگ دوازده روزه، رهبر شهید انقلاب به آن توجه دادند و به خوانندگان و مداحان نیز دستور توجه به آن داده شد، وطن‌دوستی است که آقای شهید در جلسه روضه‌ای در ماه محرم سال ۱۳۵۷ فرمودند: «ای ایران بخوان!» و پس از آن موجی از توجه به این مقوله مهم در جامعه مذهبی ما پیش آمد، موضوعی که اوج آن و ثمرات آن را امروز پس از شهادت آن قائد کبیر در همدلی و انسجام مردم بر محور پرچم ایران می‌بینیم. میهن‌دوستی و وطن‌پرستی جزو مفاهیم عمیق و فطری در زندگی بشر است که نه تنها در فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف، بلکه در آموزه‌های دینی نیز بر آن تأکید شده است. در اندیشه اسلامی، به ویژه در مکتب شیعه، میهن‌دوستی یک ارزش اخلاقی و اجتماعی شناخته می‌شود که می‌تواند ضامن آبادانی و پیشرفت جوامع انسانی باشد.

کارکردهای مثبت مفهوم میهن‌دوستی، همیشه مد نظر دین بوده است و علمای شیعه بر این باورند که میهن‌دوستی باید به معنای تلاش برای آبادانی و پیشرفت کشور، حفظ و حراست از آن و خدمت به مردم باشد. این مفهوم نه تنها در آیات قرآن کریم بلکه در روایات معصومان نیز مورد تأکید قرار گرفته است. میهن‌دوستی به‌عنوان یک احساس فطری در وجود انسان هائفته است و خداوند